

ORIGINAL ARTICLE

Rhetorical Effects of Humor and Wit in Jalal Baghaei Naini's Pieces

Ali reza bafrani

Assistant Professor

Correspondence:

Email: bafrani57@pnu.ac.ir

Received: 2020/01/20

Accepted: 2025/03/18

How to cite:

bafrani, A.; (2024). Rhetorical Effects of Humor and Wit in Jalal Baghaei Naini's Pieces , Applied Rhetoric and Rhetorical Criticism , 18 (2), 21-31

([Doi.org/10.30473/prl.2025.73502.2152](https://doi.org/10.30473/prl.2025.73502.2152))

Abstract

Jalal Baghai Naeini is one of the contemporary classic poets who owes his fame to his humorous pieces. He is trying to fight against the suffocating conditions and censorship of Iran's society before the revolution with his strong character and delicate spirit. From this point of view, he uses humor and eloquence in a funny and artistic way in the service of reforming the society of his time. He criticizes the government and related institutions, as well as various aspects of society and life, and uses the razor of humor to break the silence and shout out the pains and disorders. In his opinion, most of the criticisms are aimed at the Shura Council, which instead of legislating and paying attention to the well-being of the people, has served the government and the demands of the statesmen and has no regard for the well-being and comfort of the people. This research was written with analytical-descriptive method and using library sources and it seeks to answer the question that what is the secret of survival of traditional Baghai poems in an age where there is not much tendency towards classical poetry? it can be said that what makes the audience happy and excited in these poems is the rhetorical and special techniques of Baqi, the peak of which, in addition to his spirit of sarcasm and humor, should be in the correct and appropriate use of language factors. and expression in the form of anecdotes and allegories, original and eloquent similes and metaphors, eloquent and rhetorical responses, being influenced by events and experiences and also paying attention to He knew the language and culture of the people.

Key words: Jalal Baghai Naeini, irony and humor, rhetoric, piece



«مقاله پژوهشی»

جلوه های بلاغی طنز و شوخ طبعی در قطعات جلال بقایی نایینی

علیرضا بافرانی

جلال بقایی نایینی یکی از شاعران کلاسیک معاصر است که عمده شهرتش را مدیون قطعه های طنزآمیزش است. او با طبع وقاد و روحیه ظریف خود، در پی آن است تا با شرایط خفقان و سانسور جامعه ایران در پیش از انقلاب، به مبارزه برخیزد. از این روی به شکلی رندانه و هنرمندانه، طنز و بلاغت آن را در خدمت اصلاح جامعه زمانه خود در می آورد. حکومت و نهادهای وابسته به آن و نیز جنبه های مختلف جامعه و زندگی را به نقد می کشد و با تیغ برنده طنز بر آن است تا سکوت را بشکند و دردها و نابسامانی ها را فریاد بزند. از نظر او بیش ترین نقدها متوجه مجلس شورا است که به جای قانون گذاری و توجه به رفاه حال مردم در خدمت حکومت و خواسته های دولتمردان در آمده و هیچ توجهی به رفاه و آسایش مردم ندارد. این پژوهش با روش تحلیلی- توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه ای نگاشته شده و در پی آن است تا به این سوال پاسخ دهد که رمز ماندگاری اشعار سنتی بقایی در زمانه ای که چندان گرایشی به شعر کلاسیک وجود ندارد در چیست؟ از مجموع بررسی های صورت گرفته می توان گفت که آنچه در این اشعار باعث تلطیف و تهییج مخاطب می شود شگردهای بلاغی و خاص بقایی است که اوج آن را علاوه بر روحیه طنز و شوخ طبع او، باید در استفاده درست و به جا از عوامل زبانی و بیانی در قالب حکایت و تمثیل، تشبیه و استعاره های بدیع و بلیغ، پاسخ های رندانه و بلاغی، تأثیر گرفتن از وقایع و تجربه های زیسته خود و نیز توجه به زبان و فرهنگ مردم دانست.

واژگان کلیدی تحقیق: بقایی نایینی، طنز و شوخ طبعی، بلاغت، قطعه

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

علیرضا بافرانی

رایانامه: bafrani57@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

استناد به این مقاله:

بافرانی، علیرضا (۱۴۰۴). جلوه های بلاغی طنز و شوخ طبعی در قطعات جلال بقایی نایینی، دوفصلنامه علمی بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، ۱۸ (۲)، ۳۱-۲۱

[Doi.org/10.30473/prl.2025.73502.2152](https://doi.org/10.30473/prl.2025.73502.2152)

مقدمه

بیشتر محققان و صاحب‌نظران، علم بلاغت را سخن گفتن به مقتضای حال مخاطب و تأثیری می‌دانند که سخن ادبی بر مخاطب می‌گذارد. همایی در فنون بلاغت گوید: «فصاحت و بلاغت که آن را در فارسی، گشاده‌زبانی و سخنوری نیز می‌گوئیم آن است که سخن، درست و شیوا و مناسب حال و مقام باشد» (همایی، ۱۳۷۶: ۱۰) و به تعبیر شمیسا «علم بلاغت، چرایی کاربردگونه‌های مختلف سخن و سخنوری را بررسی می‌کند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۱۲). با گسترش و اقبال به مباحث نقد ادبی از سال ۱۹۵۰ م نقد رتوریک و بلاغی تحت تأثیر ارتباط بین نویسنده و خواننده از مباحث مهم نقد ادبی به شمار آمد. در این گونه نقد، علاوه بر توجه به ذات اثر ادبی، به تجزیه و تحلیل عناصری که باعث تأثیر و نفوذ اثر ادبی در خواننده می‌شوند نیز می‌پردازد. این حوزه با عنوان نقد کاربردی «pragmatic criticism» اثر ادبی را در درجه اول اثری می‌داند که بر خواننده تأثیر می‌گذارد و جنبه زیبایی‌شناسانه دارد (آبرامز، ۱۳۸۱: ۱۱۴). علاوه بر این آنچه در مطالعات نقد ادبی گاه نادیده گرفته می‌شود توجه به بافت و ساختار کلی اثر است که مجموع آن بر مخاطب تأثیر می‌گذارد. فتوحی در «بلاغت تصویر» به این نکته اذعان دارد و می‌گوید: «ریشه اصلی نارسایی معیارهای بلاغت سنتی در تحلیل ادبیات جدید در یک باور سنتی نهفته است که معتقد به معنای قطعی در کلمات و تصویرهاست. کلمات معنی ثابت و معینی ندارند؛ بلکه ثبات معنی کلمه یا تصویر، معلول ثبات و تداوم بافتی است که معنی را به کلمه می‌دهد (فتوحی، ۱۳۹۳: ۲۸). او دلیل این نقص را بافت کلام می‌داند. این مسئله در حوزه بلاغت طنز نیز مورد تأکید و توجه است. کاربرد خاص کلمه در بافت حکایات و روایات، موجب خلق تصاویر طنزآمیز می‌شود و ارتباط و تأثیر بلاغی کلام بر مخاطب، زمانی مشخص می‌شود که کلمه در بافت و ساختار کلی شعر، معنای خاص و طنز آمیزی را منتقل می‌کند. این مسئله در اشعار جلال بقایی نایینی، نمود گسترده‌ای دارد و توانسته است مفاهیم و مقاصد زندانه خود را به مخاطب منتقل کند.

جلال بقایی نایینی فرزند مصطفی بقایی در سال ۱۲۸۷ ه.ش در نایین به دنیا آمد. جد پدری ایشان میرزا ابوالحسن متخلص

به علوی است و جد مادری ایشان حاج میرزا کوچک خان متخلص به سرور از شاعران عصر فتحعلی شاه قاجار است (امامی آرندی، ۱۳۹۷: ۲۷۶). بقایی نیز همچون اسلاف و معاصران خویش، جزو شاعران کلاسیک و سنتی معاصر است و عمده شهرتش در قطعه‌سرایی است تا آن جا که محمدحسین شهریار در قطعه شعری که برای شعرای نایین سروده به استادی او در این قالب، اذعان کرده است: «غزل سراسر رفیعا و گلبن از نایین/ به قطعه نیز بقایی حریف ابن‌یمین» (شهریار، ۱۳۷۶: ۳۹۰). علاوه بر این نامه نگاری‌ها و مرآده‌های ادبی و علمی او با شخصیت‌های ممتازی مانند ایرج افشار، علی اصغر حکمت، باستانی پاریزی، حبیب یغمایی، گلچین معانی و شهریار، نشان از آن دارد که بقایی شاعری پرآوازه و نامدار در زمانه خود و بعد از آن بوده است (رک: بقایی، ۱۳۶۶: ۱۵۰). اگرچه در ابتدا به غزل‌سرایی گرایش داشت ولی دیری نپایید که از آن روی‌گردان شد. به همین دلیل دفتر غزل‌سرایی را بست و اذعان کرد که: «این جانب نیز مانند سایر شعرا در ابتدا غزل می‌گفتم لکن روی عقیده شخصی خود اگر آن‌ها خوب یا بد بود ترکشان کردم و چون در این دفتر جمع شده امید است مورد سوء استفاده افرادی چون خودم کم مایه قرار نگیرد» (رضوی، ۱۴۰۱: ۲۲۹). این اظهار نظر اگر چه به ظاهر فروتنانه به نظر می‌رسد، اما گویای معرفت و درک عمیق ادبی او بر این مسئله است که قالب غزل، متناسب و سازگار با ایده و درونمایه‌های انتقادی و طنزآمیزش نیست.

پای‌بندی شاعران کلاسیک به سنت‌ها و تضاد و تقابل با شاعران متجدد و نوآور، باعث شد تا بیشتر اشعارشان در ورطه تکرار بیفتند، اما با بررسی‌های انجام شده در مجموعه اشعار بقایی می‌توان ادعا کرد که او جزو معدود شاعران سنتی معاصر است که شعر و بیان‌ش رنگ تقلید و تکرار ندارد و در هر دوره و زمانه ای، کارکرد بلاغی خود را حفظ کرده است. او جزو شاعران متعصبی است که در دوران شاعری خود اصرار بر سرودن شعر در قالب‌های کلاسیک داشته است. با این باور بقایی هیچ گاه به سمت شعر نو نرفت و حتی در چند جای به آن تاخته و آن را نثری سخیف و عاری از معنا می‌داند (بقایی، ۱۳۶۶: ۱۰۱). این رویکرد و انتخاب آگاهانه باعث شد تا بقایی با تمرکز بر قطعه‌سرایی و زبان خاص خود که همراه با طنز و شوخ طبعی است، به جایگاهی برسد که بتوان او را جزو سرآمدان شاعران سنتی سرا در حوزه خود دانست. او از این موهبت خدادادی در مسیر بیداری و آگاهی

مردم و انتقاد از شرایط ظالمانه روزگار خود استفاده کرده و در عین حال از رموز زیبایی‌شناسانه شعر و شاعری نیز غافل نبوده است «زانکه این موهبت خداداد است/ از برای همه مقدر نیست/ علم می خواهد و عروض و بدیع/ ورنه اش هیچ زیب و زیور نیست» (بقایی، ۱۳۶۶: ۱۰۸).

آنچه در نگاه نخست موجب جذب مخاطب می شود و بقایی را در ردیف شاعران ممتاز کلاسیک معاصر قرار می دهد؛ اشعار انتقادی اوست که در لفافه‌ای از طنز و شوخ‌طبعی و در کمال ایجاز و رعایت موازین ادبی و بلاغی سروده شده است. او به مردم زمانه خود و در واقع به شاعران زمانه اش انتقاد می کند که چرا زبان از انتقاد وضع موجود بازگرفته اند: «چرا صدای شکایت ز کس بلند نشد/ به کام خلق ز حیرت مگر زبان خشکید» (بقایی: همان ۱۴۸). زبان و لحن عنادی و گاه هجوآمیز او که در مواردی محدود به هزل می گراید، او را محبوب مردم و مطرود دربار و حاکمان دوران خود کرده است. با این حال دو بیت از اشعار او به عنوان مثال در کتاب دستور زبان فارسی مقطع دوم راهنمایی در پیش از انقلاب آمده که نشان می دهد او شاعری سرشناس و معروف در جامعه ادبی خود بوده است (رضوی، ۱۴۰۱: ۱۸).

علاوه بر این، ایجاز و روانی اشعار و دوری از تکلف، جزو خصوصیات و ویژگی‌های ذاتی اشعار بقایی است که بر بلاغت و تأثیر آن افزوده است. خود او گوید: «چو گفته اند که خیر الکلام قَلَّ و دَلَّ/ مپوی در ره اطناب و برگزین ایجاز» (بقایی، ۱۳۶۶: ۱۰۸). ایجاز شعر بقایی در قالب قطعه‌هایی است که بین ۲ تا ۱۰ بیت دارد و در کوتاه ترین لفظ، بیشترین پیام و بار معنایی و تأثیر را به مخاطب منتقل می کند. «گویا این قالب، آمادگی و قابلیت بیشتری برای انتقال مفاهیم و معانی طنزآمیز دارد و به نظر می رسد که به دلیل ایجاز در طنز و القای سریع معنا ایجاب می کرده تا به شکل گسترده‌ای از قالب قطعه استفاده شود» (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۸: ۱۵۶). قیصر امین پور هم اعتقاد دارد که قطعه برای بیان آزادانه معانی مناسب‌تر است؛ چرا که: «قطعه یک قافیه کمتر از غزل و قصیده دارد و همین یک قافیه، آزادی‌های بسیاری به شاعر می دهد زیرا در جایگاهی مهم (مطلع و سرآغاز سخن) قرار دارد و همین آزادی، منشاء آزادی‌های دیگر مانند کوتاهی در تعداد ابیات می تواند باشد» (امین پور، ۱۳۸۶: ۲۲۵). بر این اساس گویا بقایی نیز به صورت آگاهانه ای

به سمت قطعه می رود. شوخ‌طبعی و روحیه طنازی را که نشان از تجربه‌های زیستی شاعر دارد با جوهره بلاغت و زیبایی‌شناسانه در هم می‌آمیزد و شعری ناب با ویژگی‌های منحصر به فرد ارائه می کند که در هردوره ای قابلیت تفسیر و تاویل دارد. در بادی امر به نظر می رسد که اختناق و خفقان زمانه اش که با تزویر و ریا آمیخته شده او را بر آن داشته تا همچون حافظ، شیوه ای رندانه برگزیند. این رندی که بقایی از آن به عنوان ویژگی‌های ذاتی خود یاد می کند (بقایی، ۱۳۶۶: ۱۲) در قطعه‌های او که گونه ای از روایت پردازی است، نمود بیشتری دارد. اگر چه بقایی قصد خود را فقط شاد کردن دل مردم می داند و بر این نکته تصریح می کند: (همان: ۴۵) اما حقیقت ماجرا مبارزه ای منفی و اصلاح‌گرایانه برای رفع کاستی‌ها، زشتی‌ها، مفاسد و نیرنگ‌های زمانه است. گویی حافظی در هیأت و قالبی جدید پای به عرصه ادبی گذاشته و قصدش بر ملا کردن تزویر و ریا و افشای مفاسد بی شماری است که جامعه ایران را دعوت به پسرفت، خفقان، اختناق و سکوت کرده است.

انتخاب طنز و شوخ‌طبعی نیز ترفندی رندانه برای مقابله با همین سانسور و خفقان است؛ اگر چه یک بار در سپاهان به زندان افتاده و «چون مرده گور به گور از نتیجه حسن عمل خود»، مدام در حال جابجایی و انتقال از یک سمت به سمت دیگری است، (رضوی، ۱۴۰۱: ۵۶) اما همین تعهد و جسارت بقایی باعث شده تا شعر او ماندگار و تأثیرگذار شود. این مایه از کلام و تأثیر باعث شد تا نگارنده را بر طرح این مسئله وادارد که رمز ماندگاری اشعار جلال بقایی نایینی در زمانه ای که گرایش به شعر کلاسیک، چندان خریداری ندارد در چیست؟ و سوای طنز و شوخ‌طبعی که موافق طبع مردم ایران است، این پژوهش بر آن است تا دریابد که ظرافت‌های بلاغی و ادبی نیز چه مقدار در ماندگاری اشعار ایشان موثر بوده است.

پیشینه و روش پژوهش: با بررسی در کتاب‌ها و نشریات ادبی و به خصوص آثار بلاغی می توان آثار بی شماری را یافت که به جنبه‌های بلاغی در سبک‌ها و دوره‌های مختلف پرداخته اند. کتاب‌هایی مانند بلاغت تصویر محمود فتوحی، فنون بلاغت و صناعات ادبی علامه همایی، صور خیال در شعر فارسی

طبیعی در اثر ادبی و به خصوص آثار طنزآمیز جلوه کند، می تواند بر تأثیر و ارزش آن بیفزاید. چراکه ادیب ناگزیر است در بسیاری از موارد برای فرار از سانسور و اختناق حاکم به صورت رندانه‌ای و در قالب کلام استعاری و رمزی، پیام خود را به مخاطب منتقل کند. علاوه بر این اثر ادبی با هر مضمون و محتوایی نمی تواند عاری از عناصر بلاغی و زیبایی شناسانه باشد. در اشعار جلال بقایی نیز این آرایه‌ها و جلوه‌های بلاغی به صورت طبیعی و موجز و به دور از تکلف و تصنع و در قالبی رندانه و تمثیلی خود را نشان می دهد و باعث ارتباط موثر با مخاطب می شود.

به بیان دیگر اگر روزگاری حافظ در قالب غزل با بیان رندانه خود، مفاسد و مظاهر ریا و ریاکاری را بر ملا می کرد؛ جلال بقایی نیز به شیوه ای هنرمندانه و رندانه در قالب قطعه، به بیان پاره ای از نابسامانی‌ها و بی رسمی‌های زمانه خود پرداخته است. او با شعر خود می خواهد تغییر و اصلاح ایجاد کند. اثر خود را در خدمت اجتماع قرار می دهد و این بدان دلیل است که وی دردهای عمومی را در تجربه های زیستی و شخصی خود با همه عمقی که دارند شناخته است و در پی آن است که با برملا ساختن آن ها راه درمانشان را نیز نشان دهد. آنچه در بررسی اشعار بقایی و در حوزه طنز و بلاغت می توان اشاره کرد این است که این اشعار در دو حوزه و چند زیر مجموعه، قابل بررسی است که با ذکر مثال‌هایی از هریک به توضیح و تبیین آن می پردازیم.

۱-۳: طنز های سیاسی و اجتماعی

بخش قابل توجهی از اشعار بقایی با مباحث سیاسی و زندگی اجتماعی گره خورده است. آثاری که با جوهره طنز و شوخ طبعی، نمودار جامعه ای استبداد زده و قانون گریز است و اگر چه خنده بر لب می آورد؛ ولی در لایه های زیرین خود، بنیان‌های پوسیده جامعه و حکومت را به شکل هنرمندانه ای هجو می کند. به عبارت دیگر این دسته از طنز ها نوعی عصیان و سرکشی در برابر نابرابری ها و ظلم‌هاست. شاعران طنز پرداز چون از قدرت نظامی و مادی برخوردار نیستند، صلاح بر این می دانند که سلاح طنز و هجو برکشند و در پی تغییر یا اصلاح ارزش‌های موجود برآیند. در آثار بقایی نیز از این دست شعرها زیاد است. اشعاری در قالب قطعه، کوتاه و موجز همراه با نکات و موارد بلاغی مانند ایجاز، مجاز به علاقه تضاد و نوآوری‌هایی در عرصه صور خیال

محمدرضا شفیعی کدکنی، معانی و بیان سیروس شمیسا، در قلمرو بلاغت علوی مقدم و مقاله‌های بی شماری که از حوصله این مقال خارج است. با این حال، اثری که در آن به اشعار و به خصوص قطعه‌های جلال بقایی نایینی از دیدگاه طنز و بلاغت پرداخته شده باشد یافت نشد و این کار فتح بایی است در زمینه پژوهش در اشعار شعرای کلاسیک معاصر و به خصوص شاعران نامدار خطه نایین. با این حال در فضای مجازی و نیز آثار مکتوبی که درباره نایین نوشته شده در قالب ژورنالیستی و نه پژوهشی به زندگی نامه و کارهای او پرداخته شده است. بنابراین این پژوهش در نوع خود نخستین است و نگارنده امید دارد که پژوهشگران و محققان به جنبه‌های مختلف آثار ادبی این چهره‌های ماندگار و در عین حال گمنام نیز بپردازند.

این پژوهش با روش تحلیلی- توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه ای نگاشته شده و از آن جایی که طنز و شوخ طبعی و به تعبیری «خنده‌درمانی» ابزار مهم و کارآمدی در رفع دردها و مشکلات جامعه است؛ پرداختن به جنبه‌های بلاغی طنز فاخر، می تواند راه گریزی باشد برای تسکین دردها و رنج های ناگزیر و ناگزیر.

یافته های پژوهش

۱- کارکردهای بلاغی طنز در اشعار جلال بقایی

طنز در لغت به معنی فسوس کردن، ریشخند، تهمت زدن، برکسی خندیدن و عیب گرفتن به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۵۳۱) و در اصطلاح «شیوه خاص بیان مفاهیم تند اجتماعی، انتقادی و سیاسی و طرز افشای حقایق تلخ و تنفر آمیز، در پوششی از استهزا و ریشخند به منظور نفی کردن و برافکندن ریشه های فساد و موارد بی رسمی و اصلاح رفتارهای بشری را «طنز» می نامند (انوری، ۱۳۸۱: ۲۲۷). فروغی در آیین سخنوری جوهره طنز را در ایجاز می داند و معتقد است که «به طور کلی طنز بر تحریک و تهییج خواننده بنا می شود، با بیانی که هم در رمز و کنایه و هم در صراحت، اساس ایجادش بر ایجاز قرار دارد. بنابراین طنز پرداز عملاً از اطناب در سخن و فضل فروشی و کاربرد آرایه‌ها روی گردان است (فروغی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). با این حال اگر زیب و زیورها و عوامل و عناصر بلاغی به صورتی

و در عین حال بلیغ و رندانه، باعث شده تا این شعر تاریخ انقضا نداشته باشد و در همه اعصار و قرون، ساری و جاری باشد.

قطعه «وکیل اموات» نیز از دیگر قطعه‌های جالب توجه بقایی است که با ظرافت و هنرمندی، نحوه رأی گرفتن نمایندگان را در دوران انتخابات به نقد کشیده است. طنز تلخ این قطعه نیز با تقابل زندگان و مردگان و غلبه مردگان در انتخاب وکیلان، نقش برجسته‌ای یافته و تأثیر عمیقی بر مخاطب دارد. مردگانی که می‌توانند فراتر از تاریخ فوت‌های ثبت شده در برگه‌های شناسنامه باشند و در تصویری رمزی و نمادین، هرآن کس را که ناآگاهانه رأی بدهد مورد خطاب قرار دهد:

موکلی ز وکیلی نمود استعمال / که گر مقام ز ملت نموده ای
تحصیل / چرا به حوزه خویش توجهی نبود / بجز گرفتن ریش
کسان و باج سبیل / چو نیست در نظر انورت مصالح خلق / همه
امور فتاده به حالت تعطیل / به روی خلق چنان در ز بیخ
بربستی / که هست ملاقات با تو کار حضرت فیل / چو اهل منطق
کوبنده بود و استدلال / چنین به پاسخ کوبنده کرد اقامه دلیل /
کزان به زنده ندارم توجهی که مرا / شناسنامه اموات کرده است
وکیل (بقایی، ۱۳۶۶: ۷۵)

استفاده از صورت های خیال و به خصوص تشبیه نیز در ایجاد طنز در شعرهای سیاسی او نقش موثری داشته اند. تشبیه وکیل بی اراده و بی اختیار به گربه گچی و در تعبیر رندانه ای به «آن، عن» از دیگر نمونه‌های بلاغی طنز بقایی است. در قطعه «گربه گچی» کودکی با حیرت به گربه گچی و متحرکی خیره شده و از مادر می پرسد که این گربه گچی کیست و مادر می گوید: «وکیل مجلس شورا که هر چه می شنود / چو گربه‌های گچی هی تکان دهد سر را (همان: ۱۶)

قطعه «اندر مجلس» نیز به شکلی طنزآمیز و توأم با هجو سروده شده است. انتقاد از تصویب بعضی قوانین و به خصوص مسائل فمینیستی و تساوی حقوق زن و مرد در این قطعه هویداست. آن هم از سوی نمایندگانی که جرأت حرف زدن ندارند و از خود اختیاری ندارند:

گرد هم آمده جمعی و به هم دمسازند / همه با روی خوش و
خوی حسن در مجلس / مرد و زن را چو حقوق متساوی دادند /

که مخاطب را دچار شگفتی می کند. انتقاد به مجلس و وکیلان ملت که به جای ملت در خدمت دولت و حاکمان هستند؛ جزو اولین و پرتکرارترین قطعه‌های انتقادی و طنزآمیز است. دردا که در این ملک دلی شاد ندیدیم / جز کاخ ستم خانه ای آباد ندیدیم / این مجلس شورا پی آزدن ملت / یک رسم نکوهیده که نهاد ندیدیم (بقایی، ۱۳۶۶: ۷۱)

نمونه های وکیل انتصابی (۹۲)، وکیل اموات (۹۸)، اندر مجلس (۱۵)، مجلس شورا (۷۱) و گربه گچی (۱۶) از این دست است که به آن پرداخته می شود.

در «وکیل انتصابی» شاعر با استفاده از نحوه برگزاری انتخابات در کشور به یک نکته رندانه اشاره می کند و آن این است که رمز ماندگاری در پست و مقام، مطیع بودن و تاییدکارهای ولو مجرمانه بالادستی‌هاست. او با استفاده از گفتگو و روایت نشان می دهد که در ورای کلمات طنزآمیز، چقدر جنبه‌های بلاغی می تواند به ماندگاری آن‌ها کمک کند و پیام موثر خود را با خنده تلخ و دردآلود همراه سازد:

بودش خر بد سر چموشی / یک مرد دهاتی سرابی / در موقع دادن
سواری / می کرد خرش شترمابی / یک روز که شد به ضرب زنجیر
/ تسلیم و نکرد بد رکابی / برجست و سوار آن شد و گفت / حالا
شدی آدم حسابی / خواهی شد اگر مطیع باشی / یک عمر وکیل
انتصابی (همان: ۹۲)

آوردن کلمه «انتصاب» به جای «انتخاب»، گویای استبداد و تک صدایی جامعه ای است که سعی دارد تا بدون درنظر گرفتن اصلح، آن کسی را که مطیع اوامر است انتصاب کند. کاربرد آدم حسابی برای خر نیز از دیگر مصادیق بلاغی و طنزآمیز است که در شکل مجاز به علاقه تضاد و یا استعاره تهکمه بر تأثیر کلام افزوده است؛ آنجا که به رمز و کنایه، نماینده و وکیل مطیع را خری دانسته که باید به ضرب زنجیر و تهدید رام شود و سواری بدهد. کاربرد این سبک بیان رندانه زمانی بلیغ‌تر به نظر می رسد که بدانیم این شعر با تصویری جاندار، نحوه انتخاب نمایندگان در مجلس شورای قبل از انقلاب را به طرزی طنزآمیز، هجو کرده است. بی شک وجود روحیه استبدادی و جایگزینی «انتصاب» به جای «انتخاب» می تواند در هر زمان و مکانی تداوم داشته باشد. این بی زمانی و بی مکانی و پیام واضح و موجز

کس علت این شیوه منحوس نداد/ کاین کار ریاست همه با کار ندان‌هاست/ هستند همه فاقد شخصیت بارز/ این قوم که شخصیت‌شان ورد زبان‌هاست/ شخصیت‌شان موجب احرازِ سِمَت نیست/ احراز سمت موجب شخصیت آن‌هاست (بقایی، ۱۳۶۶: ۱۳) استفاده ظریفانه از کلمه دادگستری که به تعبیر بقایی، دام گستری است نیز از دیگر موارد قابل توجه است. جایی که فردی دهاتی برای استیفای حق خود به دادگستری می رود و چون با پاس کاری بین دادگستری و کلانتری مواجه می شود:

بیچاره شد دهاتی و از روی عجز گفت/ این دادگستری است و یا دام گستری است/ معلوم شد به من که برای دفاع حق/ این کاخ کاغذی نکند کار سنگری (همان: ۸۴)

کاربرد تجاهل العارف در مصرع «این دادگستری است و یا دام گستری» و نیز استعاره بلیغ و بدیع «کاخ کاغذی» برای دادگستری از جمله نکات بارز و تأثیرگذار در این قطعه انتقادی است.

تشبیه مراجعان ادارات به توپ فوتبال نیز از دیگر نوآوری های بلاغی و طنز آمیز بقایی است. جایی که می گوید: در عرصه مهیج میدان فوتبال / می گفت یک برادر مهتر به کهری / از هر کجای رانده و سرگشته می شود/ چون توپ فوتبال هر آن باد بر سری / بر پای هر که سر نهد از ضربه لگد / می راندش ز خویش که رو رو سبکسری / همچون مراجعین ادارات دم به دم / او را همی دهند حواله به دیگری (همان: ۳۱)

آنچه در این نمونه ها اعجاب آور است ذهن و زبان طنزپرداز بقایی است که توانسته بین این پدیده ها و روابط اجتماعی ارتباط برقرار کند. لطافت و ظرافت این تصویرها همراه با هجو و طنز و پایانی غیر منتظره، مخاطب را غافل گیر می کند و ناخود آگاه خنده بر لب می آورد. «اگر چه هدف اصلی طنز، مانند کمدی خنداندن نیست و شاعر از طنز به عنوان سلاحی علیه یک سوژه ناهنجار استفاده می کند» (آبرامز، ۱۳۸۱: ۴۳۶). از دیگر زمینه های اجتماعی و طنزآمیز شعر بقایی، نایین و شهرداری است. گویی شاعر از ابنای زمانه خود رنجیده است و چند جا به صورت «شهر آشوب» به انتقاد از نایین و شهرداری آن پرداخته است. تا آن جا که نایین را چون گورستانی می بیند که او در آن زندانی است: «من آن پیرم به گورستان نایین/ که چون آن پیر

حال یکسان شده چه مرد و چه زن در مجلس/ بهر افراد کنونی دگر آن جرأت نیست/ که بگویند علی الرّأس سخن در مجلس/ همه بایست به تصویب قوانین کوشند/ این وکیلان که نشینند چو اندر مجلس (همان: ۱۵)

نکته ظریف و رندانه و بلاغت آمیز این قطعه، کاربرد ایهام دار صورت قدیمی حرف اضافه در به شکل «اندر» است که باید به خاطر رعایت قافیه به شکل «آن» تلفظ کرد.

سواى مجلس که در رأس است و بخش زیادی از طنزها و نقدها را به خود اختصاص داده است، دیگر ارکان حکومتی و دولتی نیز از تیغ برنده طنز بقایی در امان نمانده اند. مدیر و رییس، قاضی دادگستری، کارکنان ادارات و شهرداری ها از دیگر مواردی است که در شعر او نمود یافته است. از بین این موارد، انتقاد از مدیران و رییس کل‌های فاسد که فقط با رابطه‌های حزبی و سیاسی، چون خرس بدقواره ای بر مسند قدرت تکیه داده اند؛ جزو موارد قابل توجه در عرصه کاربرد عناصر زیبایی شناسانه و بلاغی است که با تشبیه و نو آوری‌هایی در این عرصه همراه است:

کیست آن خرس بدقواره زشت/ لم به پشتی پرّ قو داده/ بر بناگوش، گوش او گویی/ بادزن تکیه بر سبو داده

/ دست قدرت به جای چشم او را / پاره‌ای خلط در خيو داده / عوض زلف بر سر نحشش / به کدو چند تار مو داده / نفسش را طبیعت از شوخی / اثر مبطل وضو داده (رضوی، ۱۴۰۱: ۳۱)

کاربرد استعارى خرس بدقواره، تشبیه گوش به بادزن و تکیه دادنش به سری که مانند سبوست، تشبیه سر او به کدو و زلف او به چند تار مو بر کدو، و نیز کاربرد کنایی باد معده به صورت مبطل وضو و تشبیه نفس بد بوی او به باد معده، همگی جزو موارد بلاغی طنز آمیز و هجو آمیز در این قطعه است که باعث شده تأثیر آن دو چندان شود.

علاوه بر این در شگفت است که چرا هرکس را که «کارندان» است به عنوان رییس انتخاب می کنند. افرادی که فاقد شخصیت ذاتی هستند و تنها وجه تشخیص آن‌ها همین پست و مقامی است که دارند. در قطعه «موجب شخصیت» این مسئله با ظرافت و در طرد و عکسی بلیغ نمود یافته است:

نایی پاکبازم) بقایی، ۱۳۶۶: ۴۶) و یا در شعری که به شعرای محبوب و تبعیدی ادبیات فارسی نیز اشاره دارد خود را زندانی ناین می داند :

ناصر خسرو ار به یمگان رفت / از جفای زمانه در سجّین / من و مسعود سعد هم رفتیم / او به زندان نای و من ناین / زین جهان با گواهی تاریخ / سهم آزادگان نبود جز این (همان: ۲۵)

و در جای دیگر از حمام شهرداری ناین نیز با دیدی انتقادی و طنز آمیز یاد کرده است. حمامی که چون یخچال است و هرکس که هوس مرگ داشته باشد به آن وارد می شود :

... گفت باید رود در این حمام / هر که را سوی مرگ اقبال است / تا بلرزد چو رشته حلاج / تن او گر که رستم زال است / گر چه حمام نام دادندش / لیک حمام نیست یخچال است (رضوی، ۱۴۰۱: ۳۵)

بررسی این موارد نشان از آن دارد که بقایی شاعری دردمند و متعهد است و همچون مصلحی اجتماعی با تیغ برنده زبان و طنز و در پوششی لطیف و بلیغ، در پی آشکار کردن زشتی‌ها و سیاهی‌ها و دعوت برای اصلاح امور است.

۲-۳- طنزهای غیر سیاسی

یان ریپکا در «تاریخ ادبیات ایران» می‌گوید: «مفهوم ابداع و خلاقیت در شرق و غرب یکسان نیست. در ادب غرب، تازگی و بکر بودن معانی، یک اصل ضروری است ولی در شرق، تغییر شیوه بیان، غور بیشتر در مضامین کهنه، تلطیف تصور و بیان و نظایر آن است» (ریپکا، ۱۳۵۴: ۱۴۹).

سوای درست یا نادرست بودن این نظر، خلاقیت شعری و نیز تطابق نکته سنجی‌ها و طنزها با تحولات روز و جامعه در اشعار بقایی قابل توجه است. پرداختن به مضامین سیاسی و اجتماعی و غیر سیاسی باعث نشده که خلاقیت و جوهره شعری فدا شود. به تعبیر سپانلو اگر چه «شعر می تواند سیاسی یا اجتماعی هم باشد؛ ولی باید اول شعر باشد. اول آن زیبایی خاص، آن خلاقیت ویژه شعر را داشته باشد. آن زیبایی که حتی ممکن است از زشتی پدید بیاید (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۹۵) و این در

کلام و شعر بقایی به خوبی رعایت شده است. او حتی از دل پدیده ها و ابزارهای روزمره نیز طنز و مضمون بلاغی و خلاقانه خلق می کند و این را می توان در توصیف «میکروفن» که یک پدیده تازه در ایران سنتی زمانه شاعر به حساب می آید دریافت:

از دهان آهنین او همی آید به گوش / چون شتر، بدمستی و مانند خر، عرعر کنی / دشمن اعصاب و آزار تن و سوهان روح / آلت گمراهی و اسباب مردم خر کنی (بقایی، ۱۳۶۶: ۱۲)

تشخیص و تشبیه میکروفن به شتر و خر، سوهان روح و تعبیر عامیانه «مردم خر کنی» جزو نکته ها و مواردی تازه از بلاغت و بیان است که در این شعر به کار رفته و تأثیر بلاغی و طنزآمیز آن را بیشتر کرده است. علاوه بر این، در دیگر اشعار طنز آمیز که بیشتر در قالب تمثیل و حکایت‌های کوتاه و مختصر و در نهایت ایجاز روایت شده است؛ می توان این حس تازگی و نو بودن مضامین را مشاهده کرد. در این حکایات، گفتگویی بین شخصیت‌ها که بیشتر غیر انسان هستند روی می دهد و جواب‌های رندانه و بلاغی و توأم با طنز، وجه امتیاز آن با کار شاعرانی است که تنها در پی تعلیم و پند دادن و نتیجه اخلاقی گرفتن از شعر خود هستند. گفتگوی پروانه و عنکبوت در حکایت «پرده» از این دست است. در این حکایت که در ۴ بیت و در نهایت ایجاز، روایت شده، با جوابی رندانه و تعریض به جنایتکاران به اتمام می رسد:

دید یک پروانه روزی عنکبوتی را به سقف / شد به او نزدیک و گفت ای مظهر خون خوارها / چیست مقصود از تنیدن تارها بر سقف‌ها / چیست مقصود از کشیدن پرده بر دیوارها / در بن سوراخ گه چون دزدها پنهان شدن / گه به چالاکي به گرد خود تنیدن تارها / در جوابش گفت ای بی‌اطلاع ساده لوح / پرده لازم دارد اعمال جنایتکارها (رضوی، ۱۴۰۱: ۲۲)

در نمونه‌های بررسی شده در این بخش، نقش بازی‌های زبانی و آرایه‌های ادبی بیش از نمونه‌های طنز سیاسی و اجتماعی است. شوخ طبعی‌ها هم متناسب با ظرافت‌های زبانی، بیشتر است. با این حال این موارد به صورتی طبیعی و به دور از تکلف به کار رفته و به سمت لودگی و ابتذال در نحوه بیان نرفته است.

آگاهانه از گنجینه های فرهنگ مردم است. دوش یک بانوی کوتاه دامن/ با جوانی به تعرض برخاست/ کز چه از ساعتی افزون بینم/ نظرت دوخته بر قسمت پاست/ با چنین دقت و امان نظر/ می توان موی کشیدن از ماست / گفت بیهوده به مردم مستیز/ هیچ دانی که کجایت پیداست/ گفت گیرم در دیزی باز است / آخر ای گربه حیای تو کجاست (بقایی، ۱۳۶۶: ۹۰) باز بودن در دیزی و حیای گربه، و مو از ماست کشیدن، جزو تعابیر و امثال عامیانه است که به صورتی طبیعی در این قطعه نشسته است. این شیوه به صورت گسترده ای در اشعار و به خصوص قطعه ها به کار رفته و نشان از آن دارد که شعر بقایی با مردم و زندگی آن ها پیوند خورده و هیچ وقت از برج عاج به فضای شعری خود و جامعه خود نگاه نکرده است. از این روی اقبال عوام و خواص به شعرش در سایه طنز فاخر و بلیغ، رمز ماندگاری و حیات آن در هر دوره و زمانه ای است و رنگ کهنگی به خود نمی گیرد.

نتیجه گیری :

جلال بقایی نایینی را باید جزو شاعران طراز اول در ادبیات سنتی معاصر و به خصوص در عرصه قطعه سرایی و شعر طنز دانست. زمانه و روزگار شاعر که با خفقان، اختناق و سانسور شدید همراه است، ایجاب می کند تا برای مبارزه با مفاسد و بی رسمی های جامعه و فرار از سانسور به کلام رندانه و طنزآمیز روی آورد. در واقع او بعد از یک دوره کوتاه غزل سرایی به این نتیجه رسید که تغزل و غزل سرایی از لونی دیگر است و این قالب و سبک، ابزاری مناسب برای بیان دردها و رنج ها و ریشخند نابسامانی های سیاسی و اجتماعی نیست. از این رو بنا را بر آن گذاشت تا با قالب قطعه به سراغ لایه های زیرین جامعه برود. طبقه حاکم و زیر مجموعه های آن را مورد خطاب قرار دهد و رندانه و در کمال بلاغت برای آگاهی مردم و دفاع از حقوق آنان قلم فرسایی کند. در قدم بعد و مطابق با حال و مقام مخاطب که بیشتر عوام هستند راه نفوذ کلام را در ایجاز و خلاصه گویی دید. او عمیقاً به این مسئله باور داشت و از این روی می بینیم که قطعه های او در کمال اختصار و کوتاهی و گزیده گویی به سرعت با مخاطب ارتباط برقرار می کند و تأثیر خود را به لحاظ ایجاز، طنز و شوخ طبعی و عوامل زیبایی شناسانه زبانی و ادبی بر جای می گذارد. بقایی با درک چنین موهبت خدادادی و آگاهی از تأثیر کلام منظوم، همت و تلاش خود را صرف سرودن شعرهای انتقادی و در عین حال تلطیف شده با طنز و رندی می کند. شعرهای سیاسی و اجتماعی او به گونه ای است که در عین

از سر شوخی به «باقر» نام «طاهر» نام گفت / هیچ می دانی ز نامت نقص کلی ظاهر است / یک الف گر زان بکاهد می شود «باقر» بقر/ گفت می دانم ولیکن فضله آن «طاهر» است (همان: ۳۳) باقر و بقر، طاهر و ظاهر و پاسخ رندانه او که بر خلاف انتظار می گوید: من اگر گاو هم بشوم فضله من، تو هستی، هجوی سراسر رندانه است که جز با دقت در ظرافت های زبانی و بیانی امکان سرودنش نیست.

گویند که سال روز مشروطه ماست / کی گفتن زنده باد بر مرده رواست/ با دست مخالفان مشروطیت / شد محو شروط آن و میت بر جاست (بقایی، ۱۳۶۶: ۱۹) شروط و میت و این که مشروطه را در کلامی استعاری، مرده ای دانسته که از قید حیات رسته و قید و شرطی برایش باقی نمانده است.

بگویند از من برای خدا / زمین خواره مردم آزار را/ زمین خوار را هم زمین می خورد/ اگر بنگری آخر کار را / زمین را زمین خوار هرگز نخورد/ زمین خورد آخر زمین خوار را (رضوی، ۱۴۰۱: ۳۵) طرد و عکس و جابجایی ارکان کلام در بیت آخر باعث ایجاد ظرافتی بلاغی و رندانه شده است. هم از این نوع دارد :

گفتم او را که دیدم از دل درد/ کار او شیون و گریستن است/ زیستن از برای خوردن نیست/ بلکه خوردن برای زیستن است (همان : ۳۰)

نوآوری در تشبیه نیز از دیگر گونه های بلاغی است که بخش زیادی از تازگی طنزها و ماندگاری شان را در بر می گیرد. در حکایت «زرنگی آفتابه» کاربرد ظریف و تازه تشبیه، جز با دقت و نکته سنجی و ساختن مضمون تازه از پدیده ها و اشیا امکان پذیر نیست.

آشنایی هزار تومان وام / خواست از من بدون هیچ درنگ / من هم از دیگری گرفتم وام/ بی تأمل نهادمش در چنگ/ بعد سالی هزار بگرفته / ده دهم داد با دو صد نیرنگ / گفتمش در گرفتن و دادن / شده ای همچو آفتابه زرنگ/ با دهان گشاد می گیری / باز پس می دهی ز لوله تنگ (همان : ۲۵)

توجه به زبان و فرهنگ مردم و کاربرد امثال و حکم به شکل تشبیه تمثیل نیز در اشعار و قطعات بقایی نمود بسیاری دارد. این مسئله نشان از حضور شاعر در بین توده های مردم و استفاده

References

- ۱- Abrams, Heyerhoward (۱۳۸۶) Dictionary of Literary Terms, translated by Siamak Babaei, Tehran, Jangal Publications
- ۲- Arinpour, Yahya (۱۳۷۲) From Saba to Nima, Fifth Edition, Volume ۲, Tehran, Zavar Publications
- ۳- Emami Arendi, Abbasali (۱۳۹۷) Nainnameh, Tehran, Research Institute of Culture, Art and Communication
- ۴- Aminpour, Qeiser (۱۳۸۶) Tradition and Innovation in Contemporary Poetry, Third Edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications
- ۵- Anvari, Hassan (۱۳۸۱) Great Language of Speech, Tehran, Sokhan Publications
- ۶- Beqaei Naini, Jalal (۱۳۶۱) Memoir of Nain Speakers, Tehran, Tarikh Bookstore
- ۷- ----- (۱۳۶۶) Parto Andisheh, Tehran, Pazhang Publications
- ۸- Behzadi Andohjerdi, Hossein (۱۳۷۸) Satire and Satire in Iran, Tehran, Sadooq Publishing
- ۹- Khaqani, Mohammad (۱۹۹۷) Manifestations of Rhetoric in Nahjul-Balagha, Tehran, Nahjul-Balagha Foundation
- ۱۰- Dehkhoda, Ali Akbar (۱۹۹۸) Dictionary, Tehran, Tehran University Publishing and Printing Institute
- ۱۱- Ripka, Jan (۱۹۷۵) History of Iranian Literature, translated by Isa Shahabi, Tehran, Book Translation and Publishing Agency
- ۱۲- Razavi, Mahmoud (۱۹۷۵) Shahad Qalam Ostad, Nain, Khatib Publishing House
- ۱۳- Shamisa, Sirous (۱۹۸۳) Bayan va Maani, ۸th edition, Tehran, Ferdows Publishing House

کوبیدن نهادهای مدنی و حکومتی، خود را از بند و استنتاجی طولانی مدت به دور می دارد. با این حال به اذعان خود شاعر، یک بار در سپاهان به زندان می افتد و بارها به خاطر این روحیه اصلاح گرایانه و انتقاد از وضع موجود، از شهری به شهر دیگر و از سیمتی به سمت دیگر منتقل می شود تا شاید از این روحیه و شیوه دست بردارد و سر سازش با زشتی ها و پلیدی ها بیابد. با این حال او راه رندی و آزادگی را در پیش گرفت و شیوه خود را مطابق با اوضاع و احوال جامعه و مخاطبانش به سوی طنز و شوخ طبعی برد. از این روی در بیشتر اشعار بقایی طنز و شوخ طبعی آمیخته با عناصر و عوامل بلاغی و به خصوص ایجاز، حضور گسترده ای دارد.

با بررسی های صورت گرفته می توانیم دو گونه طنز را در آثارش بباییم: طنزهای سیاسی- اجتماعی و طنزهای غیرسیاسی. در هر دو گونه به لحاظ کمی و کیفی تعداد زیادی قطعه سروده که به بعضی زمینه ها توجه بیشتری شده است. به عنوان مثال در بخش طنزهای سیاسی و اجتماعی، نهادهایی مانند مجلس شورا و نیز مدیر و روسای ادارات و نهادهای دولتی بیش از دیگران آماج نقد و انتقاد بوده اند. از دیگرسوی بقایی تنها در پی چه گفتن نبوده و به چگونه گفتن هم می اندیشیده است. به همین دلیل در کنار طنز و شوخ طبعی باید نقش عناصر بلاغی و شاعرانه را نیز در آثارش مورد توجه قرار دهیم. عناصری مانند تشبیه و استعاره که در سطح گسترده ای در اشعار نمود یافته و سعی کرده تا از تشبیه و استعاره های تازه و نو استفاده کند. علاوه بر این کاربرد بلاغی و طنزآمیز آرایه هایی مانند طرد و عکس، ابهام و ابهام، رمز و نماد و تمثیل، و مجاز به علاقه تضاد از دیگر نکات قابل توجه در شعرهاست که باعث شده تا اشعار او ماندگار شود و اقبال عوام و خواص به آن، گویای موفقیت شاعر در بیان مفاهیم انتقادی و طنزآمیز در بافت و ساختاری بلیغ و شاعرانه است.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

۱۷-Mohammadi, Sayer (۲۰۰۱) Every room is the center of the world, Tehran, Negah Publications

۱۸-Mirzabigi Nayini, Hossein et al. (۲۰۱۴) Nayin Culture, Qom, Rasoul Azam
۱۹) Homai, Jalal al-Din ۲۰۰۷

Rhetoric and Literary Arts, thirteenth edition, Tehran, Homa Publications

۱۴-Shahriar, Mohammad Hossein (۱۹۹۷) Divan, Volume ۳, ۵th edition, Zarrin and Negah Publishing House

۱۵-Foroghi, Mohammad Ali (۲۰۰۸) Aiin Sokhanvari, Tehran, Jami Publishing House

۱۶-Futohi, Mahmoud (۱۹۹۴) Rhetoric Image, third edition, Tehran, Sokhan Publications